

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث متفرقه ۱۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين،
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاة والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و
على آله و صحبه اجمعين.

دنبال کردن آیات متشابه:

(شرعی) امامی می گویند: همانا فرموده‌ی خداوند متعال:
﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾
(نساء ۲۴)

دلایلی بر مشروعیت ازدواج موقت است؛ زنی او فرموده
است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» و فرموده است «فَآتُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ» و فرموده است: «مهورهن: مهری مهریه
آن‌ها». و این درست نیست و به عنوان دلیلی برای آن‌ها
محسوب نمی‌گردد؛ آن نیز به دلیلی مهم، بزرگ و
اساسی‌ای که این نص به صورت متشابه بر ازدواج موقت
دالالت می‌نماید و به طور محکم و قوی بر آن دلالت
نمی‌نماید. این در حالی است که ازدواج از امور بزرگ و
حساس در زندگی، دینی و دانش انسان مسلمان است؛ زنی
آن از بارزترین ویژگی‌های انسان مسلمان محسوب
می‌شود: آبرو و نسل او. همانا این امر (ازدواج) به عورت
و ناموس زنان مؤمن (باکره) تعلق دارد، نه به بازیچه و
کالایی که در بازار تجارت عرضه شده باشد. (از محمد
صدر درباره ازدواج موقت سؤال شد؟ پس پاسخ داد:
مسأله (۱۷۳) این از ضروریات مذهب است و کسی که آن
را انکار کند، از مذهب تشیع به مذهب تسنن بی‌به ملت
(مذهب) دیگری خارج شده است و به چینی غی از آنچه

که خدا در کتاب ارجمندش آورده است، گراییده است.
(مسائل و ردود / جزوه چهارم ص ۴۱). پس در حکم نین
ازدواج موقت و شرعیه امامی تساوی برقرار است.)
خداوند متعال ما را از دنباله‌ی متشابه در چنین مواردی
ندی کرده است. پس فرمود: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ﴾ مهری همانا ما نکل داریم به این‌که
کلمه‌ی (استمتعتم) را فقط بر ازدواج موقت اطلاق نماییم
و همچنین نیاز داریم به این‌که اطلاق لفظ «اجور» به جای
مهری صحیح نباشد؛ پس با توجه به این‌که اثری از این دو
امر وجود ندارد، استدلال به این آیه بی‌فایده می‌باشد.
مناقشه به پائین رسی و همه‌ی آنچه که به صورت مفصل
و اضافه ذکر می‌نمایم، برای روشن کردن توضیح و افاده‌ی
بیشتر (معنی) است.

اجور همان مهریه است:

اما فرموده‌ی پروردگارتان «فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» به معنای
مهری آنان است، چنانچه خداوند متعال در خطاب به
پیغمبرش صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:
﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ ؕ آتَيْتُ﴾
(احزاب / ۵۰)
(منظور همان مهری است) و ممکن نیست که غی از این
گفته شده باشد، زیرا پیغمبر صلی الله علیه وسلم به این
ازدواج (مهری به ازدواج موقت) اقدام نکرده است.
و قرآن کلمه‌ی «اجور» را به کار برده است و هرگز کلمه‌ی
مهور (مهری) را به کار نبرده است؛ چنانچه خداوند
سبحان فرمود:

﴿يَتَأْتِيَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ (ممتحنه / ۱۰)

«ای مؤمنان! هنگامی که زنان مؤمن به سوی شما مهاجرت کردند، ایشان را بیازمائید - خداوند از ایمان آنان آگاه‌تر است (تا شما) - هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید. این زنان برای آن مردان، و آن مردان برای این زنان حلال نیستند. آنچه را که همسران ایشان (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند، بدانان مسترد دارید. گناهی بر شما نخواهد بود اگر چنین زنانی را به ازدواج خود درآورید و مهریه ایشان را بپردازید.»

و گفته است:

﴿وَالْحَصْنَتُ مِنَ الْمُؤْمِنَتِ وَالْحَصْنَتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾ (مائده / ۵)

«و (ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است، هرگاه که مهریه آنان را بپردازید و قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد.» و گفته است: ﴿فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاثُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَتٍ غَيْرَ مُسْفِحَةٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ (نساء / ۲۵)

«لذا با اجازه صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید. کنیزانی را برگزینید که با عفت و پاکدامن باشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند.»

چه چیزی کلمه‌ی (اجور) در آیه مذکور را به ازدواج (صریغه) تخصیص داده و به عنوان دلیلی بر آن قرار داده است، با وجود این که لفظ از مختصات آن نیست، و این به سبب ذکر آن در آیه‌ی است که آن‌ها را بطن کردیم، که به ازدواج صریغه مربوط نمی‌شود، بلکه لی به ازدواج دائمی و لی به ازدواج با کنیزان (مربوط می‌شود)؟! »

استمتاع در لغت :

همانا کلمه‌ی «الاستمتاع»، «التمتع» و «المتاع» از کلمات مشترکی هستند که برای بخش از یک معری آمده است و ریشه‌ی آن از انتفاع و تلذذ (به معری لذت بردن و بهره بردن) گرفته شده است.

و آن گاه‌ی با طعام می‌باشد، چنانچه در فرموده‌ی خداوند متعال آمده:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَّعًا لَكُمْ﴾ (مائده / ۹۶)

«نخجیر (آبزی، یعنی حیوانی که در رودخانه یا در آبگیر زندگی می‌کند و یا در) دریا، و خوردن از (گوشت) آن، برای شما (مقیمان مؤمن که آن را تازه به تازه می‌خورید) و برای (شما) مسافران (مؤمن که آن را خشکیده یا یخ‌زده و یا به صورت کنسرو می‌خورید) حلال است.»

و فرموده است: ﴿وَفِيكُهَا وَابًا ۖ مَتَّعًا لَكُمْ وَلَا نَعْمَكُمْ﴾

﴿عبس / ۳۱-۳۲﴾

«و میوه و چراگاه را. برای استفاده و بهره‌مندی شما و چهارپایان شما.»

و فرموده: ﴿فَالْمُطْلَقَتِ ذِكْرًا ۖ﴾ (مرسلات / ۴۶)

«(در این چند روز کوتاه دنیا) کمی بخورید و چندی لذت ببرید (ولی بدانید که عذاب الهی در انتظار شما است، چرا که) شما گناهکارید.»

که در اینجا به معری ازدواج صریغه نمی‌باشد. و گاه‌ی با مال آمده است، چنان که در فرموده‌ی خداوند متعال است:

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ﴾ (بقره / ۲۳۶)

«اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست (و در این موقع) آنان را (با هدیه‌ای مناسب حال خود) بهره‌مند سازید. آن کس که توانائی (مالی) دارد، و آن کس که توانائی (مالی) ندارد، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (و مناسب حال دهنده و گیرنده) می‌پردازد.»

که منظور از تمتع در اینجا تمتع مالی است که به (زن) مطلقه داده می‌شود و منظور ازدواج (موقت) نیست.

و فرموده: ﴿يَتَأْتِيَا النَّبِيَّ قُلَّ لَأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَى أُمْتِعَكَ وَأَسْرِحَكَ ۚ

سَرَا حًا حَمِيلًا ۖ﴾ (احزاب / ۲۸)

«ای پیغمبر! به همسران خود بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، بیایید تا به شما هدیه‌ای مناسب بدهم و شما را به طرز نیکوئی رها سازم.»
و (تمتع) گاهی برای لباس و مسکن آمده است، چنان که فرموده:

﴿وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتَعًا إِلَى حِينٍ﴾
(نحل / ۸۰)

«و از پشم و کرک و موی چهارپایان و سائل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را فراهم کرده است که تا مدتی (که زنده‌اید) از آنها استفاده می‌کنید (و پس از پایان این جهان، نه شما می‌مانید و نه نعمتهای آن)».
منظور از «متاع»، نفع‌های انسان به صورت مطلق است، همچنان که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾
(احزاب / ۵۳)

«هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید».

و همچنین فرموده است: ﴿إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكَنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْنِعِنَا﴾ (یوسف / ۱۷)

«ما رفتیم و سرگرم مسابقه (دو و تیراندازی) گشتیم و یوسف را نزد اثاثیه خود گذاردیم».
همان طور که در آی آیه به نکاح موقت ارتباطی ندارد.

این لفظ با مشتقاتش در ۶۰ جای قرآن به صورت تکرار آمده، ولی هیچ یک از این الفاظ به نکاح موقت ارتباط ندارد. از جمله:

﴿وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (انعام / ۱۲۸)

«پیروان ایشان از میان انسانها (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! برخی از ما از برخی دیگر سود بردیم. (جَنَان با وسوسه شیطانی بر ما ریاست کردند و از ما بهره گرفتند، و ما انسانها به وسوسه ایشان دچار شهوات و لذات زودگذر شدیم، تا آن گاه که مدت معلوم زندگی را سپری کردیم) و به مرگی گرفتار آمدیم که برای ما معین و مقدر فرموده بودی. (هم‌اینک با کوله‌بار کفر و ضلال در پیشگاه ذوالجلال ایستاده‌ایم. وای بر ما! خداوند بدیشان) می‌گوید: آتش (دوزخ) جایگاه شما است و همیشه در آن ماندگارید مگر مدت زمانی که خدا بخواهد. بیگمان پروردگار تو حکیم (است و کارهایش از روی حکمت انجام می‌گیرد و) آگاه است (و می‌داند چه کسانی را از دست دوزخ رها کند)».

چرا باید لفظ استمتاع در این آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ» مَنَّهُنَّ به نکاح متعه تفسیر شود، اما در آی سابق (۱۲۸) به این معنی تفسیری نگردد، در حالی که لفظ واحد و یکی هستند.

﴿كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثُرَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَدًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (توبه / ۶۹)

«(شما ای منافقان!) همانند کسانی هستید که قبل از شما می‌زیستند (و در نفاق و کفر بر همدیگر سبقت می‌گرفتند و جز راه فسق و فجور نمی‌پویدند). آنان از شما نیرومندتر و از اموال و فرزندان بیشتری برخوردار بودند و از قسمت خود (در این جهان گذران، از لذات نامشروع و گناهان) بسی استفاده کردند و (عاقبت مردند و دنیا را به دیگران سپردند و شرمندگی بردند. هم‌اینک شما نیز همچون ایشان از تقوا و یاد خدا دوری گزیده‌اید و به راه هواها و هوسها رفته‌اید و به گرداب شهوات افتاده‌اید و از محرمات) شما هم بهره خود را برده‌اید همان گونه که افراد پیش از شما بهره خود را بردند، و به همان چیزی (از پلشتیها و زشتیها) فرو رفته‌اید که آنان بدان فرو رفتند. ایشان کردارشان در دنیا و آخرت پوچ و بیسود گشت و زیانبار (هر دو جهان) شدند. (هان اگر به راه آنان روید، همچون ایشان شوید)».

﴿أَذْهَبَتْ طَبِيبَتُكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا﴾
(احقاف / ۲۰)

«شما لذات و خوشیهای خود را در زندگی دنیای خویش برده‌اید و کام بر گرفته‌اید».

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ (ابراهیم / ۳۰)

«بگو: (از این چند روزه زندگی) بهره و لذت ببرید، چرا که بازگشت شما به سوی آتش دوزخ است (و در آنجا جز کباب شدن و عذاب دیدن نمی‌بینید)».

اگر قرار باشد که تفسیری بدون هیچ ضوابطی و بر مبنای هوی و هوس صحیح باشد، می‌گوییم: این آی و امثال آن به تحریم نکاح متعه تصریح داشته‌اند، زیرا هرکس تمتع جویی آتش به عنوان سرانجام او قلمداد می‌شود، و مراد از تمتع همان نکاح متعه است، بنابر این نکاح متعه حرام می‌باشد.

این همان چیزی است که فقهاء امامی در تفسیرشان با آلت دارای الفاظ مشترک به کار می‌برند!

زیرا الفاظی را که در اصل بخش از یک معنی دارند، بدون هیچ ضوابط لغوی و قرائن لفظی، بر معنایی که مد نظرشان است، حمل می‌کنند.

و با آیه‌ی زیر نیز همین عمل را انجام داده‌اند و آنجا که خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ آنان از

تشابه لفظی میان الفاظ «استمتاع» و «ازدواج متعه»

بهره‌برداری نموده‌اند و ازدواج موقت را به معنای نکاح تعیی کرده‌اند، بدون این که به عظمت این موضوع نگاه کنند و همچنین بدون این که قوائن لفظی‌ای را در نظر گیرند که بر معنای مورد نظرشان می‌چربد.

موضوع ازدواج موضوعی است بزرگ و ارزشمند، زی به آبرو و نسل مربوط می‌باشد، پس به ناچار بای دللی آن

صریح و آشکار باشد و لفظ (استمتاع) لفظ صریح لی قطعی‌ای نیست که دلالت بر ازدواج موقت نمایی و این فقط یک شبهه است که اعتماد به آن درست نیست و لفظ احتمال معنی دیگری می‌دهد که همان بهره‌برداری از همسر و کاملی به جماع و متعلقات آن می‌باشد، از این رو لفظ به عنوان کنایای برای جماع قلمداد می‌شود، چنان که این روش همیشگی قرآن است که در چنین مواردی مسأله را به صورت کنای ذکر می‌نمایی و از ذکر نام صریح آنرا خودداری می‌کند.

بنابراین آنچه را که به آن اعتماد کرده‌اند دللی مشابهی است که بخش از یک معنی دارد. و ادله‌های مشابه، ظری و دارای احتمال صلاحیت آنرا ندارند که در این امر خطی به آن‌ها استناد شود. اگر خداوند متعال در این آی (ازدواج موقت) مد نظرش بود با لفظ صریح آنرا بیان می‌داشت تا هرگونه تأوی و احتمالی از آن بزدايد همچنان که شأن خداوند بلند مرتبه در کارهای مهم و با ارزش با قطعیت است.

و آبروی انسان مسلمان و مباح داشتن عفت زنان محصنه از عظم‌ترین و با ارزش‌ترین کارهاست.

قرائنی که باعث ترجیح یکی از معانی لفظ مشترك می‌شوند:

در موضوع (ازدواج با کزن) بطن کردیم که حمل لفظ مشترك (لفظی که بخش از یک معنا دارند) بر یکی از این معانی بدون در نظر گرفتن قرائن آشکار، صحیح نمی‌باشد.

همچنان که قبلاً نیز ذکر کردیم دلایلی کارهای مهم و اساسی از جنس مشابه نیستند معنی الفاظ این کارها صریح و محکم هستند و الفاظ مشترکی نمی‌باشند که برای ترجیح دادن یکی از آن معانی بر دیگری به قرائن نظف داشته باشیم. همچنان که ادله مشروعیت نماز، زکات، روزه، جهاد، ازدواج دائمی و ازدواج با کزن چه رسد به قضایای یکتاپرسی، نبوت و معاد صریح و محکم است. دلایل این امور مهم، صریح است به گونه‌ای که الفاظشان مستلزم آوردن قرائن و دلایلی آشکار نیست، و در باب راجح و مرجوح قرار نمی‌گیرند و به خاطر این که دارای دلایلی قطعی هستند به ثابت بودن آن‌ها یقین پیدا می‌کنیم.

و این بدان معنا است که نباید دلایلی تمامی امورات خطی از جنس مشترك باشد به گونه‌ای که فقط با قرائن بتوان آن دللی را مشخص نمود و در غی این صورت (اگر دللی مشخص نباشد) آنرا باطل قلمداد می‌نماییم. معنی هر امر عظمی که در باب راجح و مرجوح قرار می‌گیرد، لازم است که در مورد آن بگوییم این امر باطل است.

این آی قرآنی که برای ازدواج موقت به آن استناد نموده‌اند، محکم و قطعی الدلالة نیست، بلکه لفظ مشتركی است که احتمال چندینی معنا را دارد؛ پس برای ترجیح یکی از این معانی مستلزم قرینه می‌باشد. تفسیری کلمه‌ی «استمتعتم» به نکاح متعه و خالی کردن آن از سایی معانی، به وسیله‌ی متن و لفظ کلمه اثبات نمی‌گردد، بلکه به قرائن آشکاری نظف دارد، و این بطنگر بطلان ادعای آنان می‌باشد. پس چگونه همه‌ی قرائن نفی می‌شوند و

می‌توانیم بگوییم مقصود این آیه (ازدواج موقت) بوده است؟

از جمله‌ی این قرائن:

۱- آیه: ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ﴾ (نساء / ۲۴)

لفظ استمتاع در این آیه نوع خاصی از ازدواج و یا نوعی از زنان را در بر نمی‌گیرد، بلکه لفظی است عام و شامل تمامی کسانی می‌آید که خداوند به نوعی ازدواج با او را حلال اعلام داشته است؛ زیرا ضمیمی (هن) در کلمه (منهن) که متعلق به استمتاع می‌باشد به موارد ذکر شده در این آیه ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ﴾ ارجاع داده می‌شود

بنابراین استمتاع لفظ عامی است که هر نوع ازدواج شرعی دائمی و ازدواج با کثران را که خداوند حلال گردانده است در بر می‌گیرد و به نوع خاصی از ازدواج که ازدواج موقت باشد، مرتبط نیست؛ زیرا آنچه را که خداوند متعال در کتابش حلال گردانده است - بر عکس آنچه را که حرام گردانده است - به بیشتر از این دو نوع نکاح، سخنش را طولانی نمی‌کند؛ زیرا غی از این دو نوع ازدواج، هر نوع ازدواج دیگری - با نص قرآنی - حرام است. طبق این آیه:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۖ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۚ فَمَنْ ابْتَغَىٰ

وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۖ﴾ (مؤمنون و معارج / ۷-۵ و ۲۹-۳۱)

پس کلمه (استمتعتم) آمده تا این که معنای لغوی و یا کنای از آن افاده شود براساس روش قرآنی که در کنای از ذکر کارهای جنسی با کلمات صریح و آشکار پره‌نی می‌کند. و معنی اصطلاحی به نوعی از انواع ازدواج منجر نمی‌شود. ۲- فرموده‌ی خداوند متعال بعد از آن: ﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ﴾ (نساء / ۲۵)

دلالت بر این دارد که منظور از ازدواجی که قبلاً ذکر شد، همان ازدواج شرعی و دائمی است؛ زیرا سخن از دشوار به سوی آسان منتقل می‌شود پس هر کس که به این نوع ازدواج دائمی قادر نبود و انجام این کار بر او دشوار باشد و اسباب و لوازم ازدواج برایش مه‌لی نبود، بای با آنچه از کثران مؤمن در اخت‌ دارد، ازدواج کند. و هیچ شکی در این نیست که ازدواج موقت بسط‌ آسانتر از ازدواج با کثران تحت مالکیت است. پس اگر مقصود بطن همان نوع اول بود، واجب می‌شود که ترتیب سخن برعکس شود (یعنی از آسان به دشوار و با ازدواج با کثران شروع می‌شد، سپس (ازدواج) آسان‌تری را ذکر می‌کند که همان صیغه است، پس انتقال از دشوار به سوی آسان صورت می‌گرفت. پس همانا عبارت «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ» مستلزم این است که مورد ذکر شده دشوارتر از مورد بعدی باشد. زیرا در غی این صورت تناقض، پریشانی و آشفتگی روی می‌داد، و این با صحت کلام خداوند منافات دارد.

۳- همانا خداوند بلند مرتبه ازدواج حلال را به تحقق یافتن شرط پاکدامنی مشروط کرده است و مقصود از آن کسانی که آبروریزی می‌کنند و به شهوت‌رانی مشغول‌اند، نمی‌باشد.

پس فرموده است: ﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ﴾ (نساء / ۲۵) و فرموده است: «مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ» (نساء / ۲۵)

«زنان پاکدامنی که زناکار نباشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند.» و فرموده است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَحْدَانٍ» (مائده / ۵)

«(و ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب بخش از شما، حلال است، هر گاه که مهری آنان را بپردازید، قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری و بی‌انتخاب درست نباشد.»

تحقق یافتن این شرط در ازدواج موقت غیر ممکن است، پس اگر قصد خداوند بلند مرتبه از لفظ: «استمتعتم» متعه می‌بود، هرگز آن را برای این (ازدواج) شرط قرار نمی‌داد.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.